

تنظیم : مینا صحاف امین از ناحیه ۳ تبریز ، مرتضی عبداللهی از اهر

درس ششم لف و نشر ، تضاد و متناقض نما

تعریف لف و نشر : « لف » در لغت به معنای پیچیدن و تا کردن است و « نشر » به معنای باز کردن و گستردن. در اصطلاح بدیع، لف و نشر عبارت از این است که یک یا چند واژه در قسمتی از سخن (عموماً مصراع، یا بیت) ذکر می‌شود و در قسمت بعدی (مصراع یا بیت بعدی) واژگان مربوط به آن‌ها آورده می‌شود، به نحوی که می‌توان دو به دو این واژه‌ها را به هم مربوط کرد.

*نکته اول : کلماتی که در بخش اول می‌آیند ، « لف » و کلماتی که به عنوان توضیح در بخش دوم می‌آیند ، « نشر » نام دارند.

*نکته دوم : هرگاه نظم و ترتیب بین کلمات « لف و نشر » رعایت شده باشد، آن را « لف و نشر مرتب » گویند و درغیراین صورت « لف و نشر مشوش » خوانده می‌شود.

مثال ۱ : برای لف و نشر مرتب:

ای نور چشم مستان در عین انتظارم چنگی حزین و جامی، بنواز یا بگردان

توضیح : واژه های « چنگی » و « جامی » لف است . و دو واژه ی « بنواز » و « بگردان » نشر می باشند . کلمات « نشر » به ترتیب برای توضیح کلمات « لف » قرار گرفته اند ، پس به آن « لف و نشر مرتب » می گویند .

مثال ۲ برای لف و نشر مرتب :

دانش و خواسته است نرگس و گل که به یک جای نشکفند به هم

دانش : لف ۱ خواسته : لف ۲ نرگس : نشر ۱ گل : نشر ۲

مثال ۱ برای لف و نشر مشوش :

تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم

توضیح : واژه های « ببینم » و « بشنوم » لف است . و دو واژه ی « سمع و بصر » نشر می باشند . چون کلمات « نشر » به ترتیب برای توضیح کلمات « لف » قرار نگرفته اند ، پس به آن « لف و نشر مشوش » گویند . (بصر شدم تا ببینم ، سمع شدم تا بشنوم)

مثال ۲ برای لف و نشر مشوش :

گر دهدت روزگار دست و زبان زینهار هر چه بدانی مگوی، هر چه توانی مکن!

در بیت ذکر شده ابتدا «دست» و پس از آن «زبان» آمده است، در حالی که نشر و توضیح مربوط به این واژه‌ها، از این ترتیب پیروی نکرده و ابتدا توضیح مربوط به زبان بیان شده و پس از آن توضیح مربوط به دست ذکر شده است.

لف یک : دست لف دو : زبان نشر یک : مگوی نشر دوم : مکن

مثال ۳ برای لف و نشر مشوش :

ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری

زلف : لف ۱ رخ : لف ۲ صبح : نشر ۲ شام : نشر ۱

در این بیت علاوه بر تشبیه (تشبیه زلف به شب (در سیاهی) و رخ معشوق به روز (در روشنی) واژگان زلف و رخ از طریق لف و نشر مشوش به هم مربوط شده‌اند.

مثال ۴ برای لف و نشر مشوش :

به لطف خال و خط از عارفان ربودی دل لطیفه های عجب زیر دام و دانه توست

توضیح : خال: لف ۱ خط : لف ۲ دام : نشر ۲ دانه : نشر ۱

مثال برای لف و نشر مرتب و مشوش در یک بیت :

بسوزد بدوزد دل و دست دانا به بی خیر خارش به بی نور نارش

مصراع اول لف و نشر مرتب و مصراع دوم لف و نشر مشوش است.

مصراع اول : لف و نشر مرتب : بسوزد : لف یک ، بدوزد : لف دو / دل : نشر یک

مصراع دوم : لف و نشر مشوش : دل : لف یک ، دست : لف دو / بی نور : نشر دو ، بی خیر : نشر یک ،

سوال مربوط به لف و نشر

الف) در ابیات زیر، چه نوع لف و نشری به کار رفته است؟ لف و نشرها را بیابید.

۱- در باغ شد از خد و رخ و زلف تو، بی آب گلبرگ طری، سرو سهی، سنبل سیراب

پاسخ: (لف و نشر مرتب) / خد لف یک، رخ لف دو، زلف لف سه / گلبرگ طری نشر یک، سرو سهی نشر دو، سنبل سیراب نشر سه.

(خد = چهره / طری = شاداب)

۲- معنی آب زندگی و روضه ارم جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست؟

پاسخ: لف و نشر مشوش / آب زندگی: لف یک، روضه ارم: لف دو / طرف جویبار: نشر دو، می خوشگوار: نشر یک.

۳- آن نه زلف است و بناگوش که روز است و شب است و آن نه بالای صنوبر که درخت رطب است

پاسخ: لف و نشر مشوش / زلف: لف یک، بناگوش: لف دو، بالای صنوبر: لف سه / نشر یک: روز، نشر دو: شب، نشر سه: درخت رطب

۴- نه پادشاه منادی زده است می نخورید بیا که چشم و لبان تو مست و میگون است

پاسخ: لف و نشر مرتب / لف یک: چشم، لف دو: لب / نشر یک: مست، نشر دو: میگون

۵- یارمن باش که زیب فلک وزینت دهر از مه روی تو واشک چو پروین من است

پاسخ: لف و نشر مرتب / لف یک: زیب فلک، لف دو: زینت دهر / نشر یک: مه روی، نشر دو: اشک چو پروین

۶- دلم در عهد آن زلف و بناگوش مبارک دید صبح و شام خود را

پاسخ: لف و نشر مشوش / لف یک: زلف، لف دو: بناگوش / نشر یک: صبح، نشر دو: شام

ب) در کدام بیت آرایه « لف و نشر » به کار رفته است؟

۱) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

۲) قربان آن بناگوش، وان برق گوشواره با هم چه خوش نمایند، آن صبح و این ستاره

۳) جهان چو حادثه‌ای پای در رکاب آرد عنان فتنه بدان چشم نیم خواب دهد

۴) برگ بی برگی نداری لاف درویشی نزن رخ چو عیاران نداری جان چو نامردان مکن

پاسخ: بیت ۲

سوالات نهایی لف و نشر

سوال یکم - با توجه به ابیات زیر ، به پرسش ها پاسخ دهید:

۱ - منعم مکن از دیدن قد و رخ و چشمش من انس به سرو و گل و بادام گرفتم

۲ - روی و چشمی دارم اندر مهر او کاین گهر می ریزد آن زر می زند

الف) در کدام بیت « لف و نشر نامرتب » (مشوش) به کار رفته است؟

ب) در چه صورتی « لف و نشر » نامرتب (مشوش) ایجاد می شود؟

ج) به غیر از « لف و نشر » چه آرایه مشترکی در این دو بیت به کار رفته است؟

سوال دوم : انواع « لف و نشر » را در ابیات زیر مشخص کنید:

الف) گردهدت روزگار ، دست و زبان زینهار هر چه بدانی مگوی ، هر چه توانی مکن

ب) ذکر رخ و زلف تو دلم را وردی است که صبح و شام دارد

سوال سه : در بیت « اگر ز خلق ملامت و گر ز کرده ندامت کشیدم ، از تو کشیدم ، شنیدم ، از تو شنیدم »

الف) « لف دوم » و « نشر اول » را نشان دهید.

ب) نوع « لف و نشر » را بنویسید

سوال چهار : با توجه به بیت زیر ، به سؤال ها پاسخ دهید:

منعم مکن از دیدن قد و رخ و چشمش من انس به سرو و گل و بادام گرفتم

الف) نوع « لف و نشر » را مشخص کنید

ب) « لف دوم » و « نشر سوم » را بیابید و بنویسید

سوال پنج : افروختن و سوختن و جامه دریدن پروانه ز من ، شمع ز من ، گل ز من آموخت

الف) نوع « لف و نشر » بیت اول را تعیین کنید

ب) در بیت دوم « لف سوم » و « نشر دوم » را بیابید و بنویسید

جواب سوالات نهایی مربوط به لف و نشر :

سوال یک : الف) بیت ۲ (روی لف ۱ ، چشم لف ۲ / گهر نشر ۱ ، زر نشر ۲) ، ب) اگر ارتباط لف ها با نشرها نامنظم باشد لف و

نشر نامرتب خواهد بود (ج) مراعات نظیر (قد ، رخ ، چشم / سرو ، گل ، بادام / روی ، چشم / گهر ، زر)

سوال دو : الف) مشوش (نامرتب) دست « لف ۱ » زبان « لف ۲ » / مگوی « نشر ۱ » مکن « نشر ۲ »

ب) مرتب . رخ « لف ۱ » زلف « لف ۲ » / صبح « نشر ۱ » « شام » نشر ۲

سوال سه : الف) ندامت ؛ کشیدم ب) نامرتب یا مشوش « ملامت « لف ۱ » ندامت « لف ۲ » / کشیدم « نشر ۱ » شنیدم « نشر ۲ »

سوال چهار : الف) مرتب (قد « لف ۱ » رخ « لف ۲ » چشم « لف ۳ » / سرو « نشر ۱ » گل « نشر ۲ » بادام « نشر ۳ »

ب) رخ ج) بادام

سوال پنج : - الف) لف و نشر مرتب : دل « لف ۱ » کشور « لف ۲ » / جمع « نشر ۱ » معمور « نشر ۲ »

ب) افروختن « لف ۱ » سوختن « لف ۲ » جامه دریدن « لف ۳ » / پروانه « نشر ۱ » شمع « نشر ۲ » گل « نشر ۳ »

تضاد

در زبان فارسی کلمات متضاد کاربرد فراوان و ساختارهای متفاوتی دارند. در تشخیص واژگان متضاد، کاربرد اهل زبان، اولین و مهم ترین معیار و محک است. اما به طور کلی تضاد عبارت است از: استفاده از دو واژه (در رابطه هم نشینی کلمات با یکدیگر) در سخن که از نظر معنی عکس یا ضد یکدیگر باشند یا ضد هم به حساب آیند.

کلمات متضاد باید در تمام مشخصه ها باهم یکسان باشند در اینگونه کلمات، تکیه بر اصل دو کلمه ای است که ضد هم هستند و پیشوندها و پسوندهایشان تکرار می شود. مثل روز و شب - روزانه و شبانه - روز و شبی - روزها و شب ها و...

آیاطباق و تضاد یکی است؟ می توان این گونه پاسخ داد: تمام کلماتی که از نظر دستور زبان باهم رابطه تضاد دارند، می توانند در صورت کاربرد در جمله ای باهم رابطه طباق نیز برقرار سازند.

چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری

نالش ≠ نازش ادبار ≠ اقبال

که تا بر هم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی

نکته: باید توجه داشت که کلمات متضاد با کلمات منفی یکی نیست.

انواع تضاد:

الف: تضاد وجودی: این تضاد بین کلماتی است که وجود یکی وابسته به عدم وجود دیگری است. در این نوع از تضاد، مفهوم یکی از واژه ها خود به خود مفهوم واژه مقابل را نفی و رد می نماید مانند: زنده و مرده - مجرد و متاهل

ب: تضاد وارونه: تضادی که در آن، تضاد بین مفهوم یک واژه و واژه دیگر در مورد عکس آن ها نیز صدق کند. مانند بالا و پایین - کوچک و بزرگ - سریع و آهسته

پ: تضاد مقطعی: این تضاد بین کلماتی است که در یک زمان و مقطع محدود چنین رابطه ای رانسبت به هم برقرار می سازند. مثل دو رنگ مختلف و یا دو نماد متفاوت.

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

مثال ۱: تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش

بنفشه ، نماد انسان های غافل و نرگس ، نماد انسان های آگاه و بیدار.

مثال ۲: کس نیاید به زیر سایه بوم
ور همای از جهان شود معدوم

بوم، نماد بدبختی و هما ، نماد خوشبختی است.

ت: تضاد جنسیتی : در این دسته ، دو جنس از یک گروه در مقابل هم قرار می گیرند . باید توجه شود که حتما آن دو جنس ، از یک گروه باشند.
مانند : زن و مرد .

ث: تضاد معنایی : در این گروه ، کلماتی قرار می گیرند که معنی آنها در اصل ضد هم است؛ . تمام فعل های منفی را در این گروه می توان قرارداد.
مثل : رفت و نرفت .

ج : تضاد رفتاری : برخی از رفتارها ضد هم بوده و در مقابل هم قرار می گیرند ، به عبارت دیگر عملی ، خلاف عمل دیگر است . مانند : خنده و گریه
- نشست و برخاست .

ح : تضاد یک جانبه : تضادی است بین دو واژه که یکی از آنها بر دیگری تأثیر گذار است . در این نوع تضاد ، همواره یکی از کلمات بر دیگری تأثیر تأثیر منفی دارد . مثال : سبو ≠ سنگ یا شیشه ≠ سنگ . در این رابطه سنگ بر سبو و شیشه اثر می گذارد ، اما برعکس آن امکان ندارد.
نکته ۱: در برخی کلمات ضد « با » می شود « بی » . مثل : بی ادب و با ادب .

نکته ۲: تضاد خود نوعی مراعات نظیر است زیرا یکی از روابط اشیا و امور با هم رابطه تضاد دارند. مثال :

سعدیا از روی تحقیق این سخن نشنیده ای هر نشیبی را فراز و هر فرازی را نشیب

نکته ۳: پیشوند « غیر » نیز برای منفی ساختن به کار می رود می تواند در ساختار کلمات، واژگان متضاد بسازد . مثلا : حضوری و غیر حضوری.

مثال برای تضاد :

ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری / حافظ

شب و روز / صبح و شام

به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می باش که نیستی ست سرانجام هر کمال که هست / حافظ

هست و نیست / نیستی و کمال

سعدیا گر بکند سیل فنا خانه عمر دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست

سیل فنا / بنیاد بقا

گاهی بر طارم اعلا نشینم گهی در پیش پای خود نبینم / سعدی

طارم اعلا و پیش پا (طارم = خرگاه ، سراپرده - اعلا = بالا ، برتر)

سوال مربوط به تضاد :

الف- در ابیات و عبارات زیر واژه های « تضاد » را مشخص نمایید.

- (۱) دوستان و دشمنان را می شناسم من، زندگی را دوست دارم من، مرگ را دشمن...
 پاسخ : تضاد میان واژه های دوستان و دشمنان = زندگی و مرگ- دوست و دشمن
- (۲) تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد
 پاسخ : تضاد میان واژه های حضور و غیبت / روند و آیند
- (۳) سخن میان دو دشمن چنان گوی که اگر دوست گردند شرم زده نباشی.
 پاسخ : تضاد میان واژه های دشمن و دوست
- (۴) گر باد به دوزخ برآید از کوی تو خاک
 پاسخ : واژه های آب و آتش
 ب) تضاد را در ابیات زیر بیابید .

- (۱) لیک اینم بس که چه دشمن چه دوست
 گویند این زن از خریداران اوست
 پاسخ : دوست = دشمن
- (۲) ای سخت جفای سست پیوند
 رفتی و چنین برفت تقدیر
 پاسخ : سخت = سست
- (۳) در آفاق گشاده است ولیکن بسته است
 از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر
 پاسخ : گشاده - بسته
- (۴) اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعا گویم
 جواب تلخ می زبید لب لعل شکر خا را
 پاسخ : دشنام - نفرین / تلخ = شکر
- (۵) گدای نیک انجام به از پادشاه بد فرجام .
 گدا ، پادشاه / نیک انجام ، بد فرجام
 پاسخ : گدا ، پادشاه / نیک انجام ، بد فرجام
- (۶) گر چه سپید کرد همه خان و مان ما
 یا رب سیاه باد همه خان و مان برف
 پاسخ : سپید - سیاه

سوالات نهایی تضاد

۱- در کدام یک از ابیات زیر آرایه « تضاد » وجود دارد؟

- الف) فلک در خاک می غلتید از شرم سرافرازی
 اگر می دید معراج ز پا افتادن ما را
- ب) اینکه گاهی می زدم بر آب و آتش خویش را
 روشنی در کار مردم بود مقصودم چه شمع
- ج) ما با تو ایم و با تو نه ایم ؛ اینت بوالعجب
 در حلقه ایم با تو و چون حلقه بر دریم
- د) چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش
 هیچ دانا زین معما در جهان آگاه نیست

۲- در ابیات زیر ، قسمت مشخص شده ، کدام آرایه معنوی را به وجود آورده است؟

بگویم تا بداند دشمن و دوست که من مستی و مستوری ندانم
در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید والسّلام
جواب سوالات نهایی مربوط به تضاد :



۱ - گزینه «ب» ۲- تضاد

تویی آن کس که در عالم به جفت ابروان طاقی

۱- آرایه های بیت زیر کدامند؟ (انسانی ۹۹)

تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم

الف) تشبیه ، تضاد ، ایهام ، جناس تام

ب) تشبیه ، مجاز، ایهام تناسب، تضاد

ج) پارادوکس، جناس ناقص، کنایه ، اغراق

د) استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس

پاسخ : گزینه یک

۲- آیا آرایه بیت مقابل درست است؟ (انسانی ۹۹)

تا روی کند عیش و طرب پشت به خم ده تا پشت کند محنت و غم روی به می کن (تضاد - حسن تعلیل)

پاسخ : بله تضاد بین محنت و غم - عیش و طرب وجود دارد .

متناقض نما (پارادوکس)

آرایه تناقض که یکی از آرایه های معنوی به حساب می آید ، آن است که شاعر یا نویسنده دو مفهوم به ظاهر متضاد را در کلام خود به یک چیز نسبت می دهد که وجود یکی دیگری را نقض می کند . به تعبیر دیگر هرگاه دو مفهوم متضاد را به هم نسبت دهیم یا آن دو را در یک چیز جمع کنیم ، آرایه متناقض نما شکل می گیرد . مثلاً : وقتی می گوئیم : جیب هایم پر از خالی است ؛ دو صفت خالی و پر را به جیب نسبت داده ایم که در واقع صفت خالی وقتی با پر همراه شد ، مفهوم تضاد را از دست داد . به بیان دیگر « خالی بودن » وجود « پر » را نقض می کند .

پارادوکس یا تناقض در شعر و نثر به دو شیوه به کار می رود:

۱- به صورت ترکیب اضافی یا وصفی :

این نوع تضادهای هنری ساختاری ترکیبی دارند؛ ولی در پس ظاهر متناقض نما و متضاد آنها حقیقتی نهفته است که دوام تضاد را آشتی می‌دهد، و ترکیب این دو تضاد یک حقیقت واحد را به ذهن متبادر می‌سازد. مثال: زنده‌میرا - خراب آباد - حاضر غایب - مُرده متحرک - آب آتش افروز - تلخ خوش - شور شیرین - دولت فقر - فریاد بی صدا

۲- به صورت غیر اضافی در جمله یا بیت (پی بردن به وجود تناقض در معنی بیت یا عبارت). به تصویرهایی که از این ترکیب حاصل می‌شود، تصویر پارادوکسی می‌گویند. مثال:

الف) چون غمت را نتوان یافت مگر در دل شاد ما به امید غمت خاطر شادی طلبیم (حافظ) یافتن غم در دل شاد

ب) برگ بی برگی نداری لاف درویشی مزن رخ چو عیاران نداری جان چو نامردان مکن (سنایی)

برگ بی برگی

پ) خنده گریند همه لاف زنان بر در تو گریه خندند همه سوختگان در بر تو (سنایی)

باخنده گریستن و گریستن باخنده

مثال برای متناقض نما:

- ۱- از این سد روان در دیده شاه زهر موجی هزاران نیش می رفت ◀ سد روان
- ۲- به پاس یک دل ابری، دو چشم بارانی پُر است خلوتم از یک حضور نورانی ◀ پر بودن خلوت
- ۳- کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی ◀ آرامش طوفانی
- ۴- کسی که وسعت او در جهان نمی گنجید به خانه دل من آمده است مهمانی ◀ قرارگفتن وسعت در مکانی کوچک
- ۵- غرّش باد آوازهای خاموشی را افسار گسیخته کرده بود. ◀ آواز خاموش
- ۶- صدای سنگین سکوت در سرسرا پیچیده بود. ◀ صدای سکوت
- ۷- در ناامیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است ◀ امید در ناامیدی
- ۸- از تهی سرشار / جویبار لحظه ها جاری است. ◀ سرشار از تهی بودن
- ۹- اگر سلطنت فقر ببخشند ای دل کمترین ملک تو از ماه بود تا ماهی ◀ سلطنت فقر
- ۱۰- هر دو بحری آشنا آموخته هر دو جان بی دوختن بر دوخته ◀ بی دوختن دوختن
- ۱۱- چشم دل باز کن که جان بینی آن چه نادیدنی است، آن بینی ◀ دیدن نادیدنی
- ۱۲- غیر عریانی لباسی نیست تا پوشد کسی از خجالت چون صدا در خویش پنهانی ما ◀ لباس بودن عریانی
- ۱۳- روشن تر از خاموشی چراغی ندیدم. ◀ روشن تر از خاموشی

- ۱۴- کی شود این روان ساکن من / این چنین ساکنِ روان که منم ◀ ساکنِ روان
- ۱۵- هرزه گویی و جهانگردی نه کار عارف است / کیست عارف؟ رهروِ بنشسته ، گویایِ خموش ◀ رهرو ی بنشسته -گویایِ خاموش
- ۱۶- اگر گویا و پیدایی یکی خاموش پنهان شو / خوشا خاموش گویا و خوشا پیدای پنهانی ◀ خاموش گویا - پیدای پنهانی
- ۱۷- دردِ بی دردی ز ما خواهد برآوردن دمار / دردِ عشقی تا به درد، این درد را درمان کنیم ◀ دردِ بی دردی
- ۱۸- از دشمنان برند شکایت به دوستان / چون دوست ، دشمن است شکایت کجا بریم؟ ◀ دوست بودن دشمن
- ۱۹- به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچیش / دل من است که هم جمع و هم پریشان است ◀ پریشان بودن جمع
- ۲۰- لباس عافیتی است اگر در این عالم / که دست خلق از آن کوتاه است، عریانی است ◀ لباس عریانی
- ۲۱- هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضيض هم می توان عزیز بود ◀ رفیع بودن گودال
- ۲۲- یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می شنوم نامکرر است
- ◀ یک قصه بیش نبودن عشق و در عین حال نامکرر بودن آن
- ۲۳- مبین حقیر گدایان عشق را کاین قوم / شهان بی کمر و خسروان بی کلهند ◀ گدایی و در عین حال شاه بودن
- ۲۴- بی عمر زنده ام من و این بس عجب مدار / روز فراق را که نهد در شمار عمر
- ◀ ۱- بی عمر زنده بودن ۲- روزی که در شمار عمر نیست
- ۲۵- هر شبمی درین ره صد بحر آتشین است / دردا که این معما شرح و بیان ندارد
- ◀ ۱- شبمی که صد بحر آتشین است ۲- بحر آتشین
- ۲۶- روزگاری است که سودای بتان دین من است / غم این کار نشاط دل غمگین من است ◀ غم سبب نشاط است.
- ۲۷- بکن معامله ای وین دل شکسته بخر / که با شکستگی ارزد به صد هزار درست ◀ شکسته ای که صد هزار درست ارزد.

تفاوت بین تضاد و متناقض نما

در آرایه تضاد ، شاعریا نویسنده واژگانی را که در معنی با هم ناسازی و ناسازگاری دارند، در سخن می آورد ؛ اما پارادوکس، جمع دو امر متضاد با هم است؛ در متناقض نما تقابل و تضاد کلمات به خودی خود نیست. بلکه معنی حاصل از ترکیب و کل عبارت مهم است. به عبارت دیگر در متناقض نما سعی شده است دو معنی متناقض با هم جمع شوند. برای مثال، وقتی بگوییم «بعضی از بچه ها خفته اند و بعضی بیدار بودند»، بین «خواب» و «بیدار» تضاد است. اما پارادوکس یا متناقض نمای واژه هایی که دارای تضاد بودند بدین گونه می شود : خفتگان بیدار.

به ابیات زیر توجه کنید :

الف : تونه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد دگران روند و آیند و توهم چنان که هستی

ب: هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است

در بیت « ب » ترکیب « حاضر غایب » یک تناقض است و در بیت الف « حضور و غایب » و « روند و آیند » باهم تضاد دارند.

سوال برای متناقض نما :

الف) در ابیات داده شده متناقض نما را مشخص کنید .

۱- چنین نقل دارم ز مردان راه فقیران منعم، گدایان شاه

پاسخ : فقیران منعم - گدایان شاه

۲- مثال عشق پیدایی و پنهان ندیدم همچو تو پیدا و پنهان

پاسخ : پیدا بودن پنهان

۳- از ننگ چه گویی که مرا نام ز ننگ است و ز نام چه پرسی که مرا ننگ ز نام است

پاسخ : ننگ ز نام داشتن

۴- این قصه عجب شنو از بخت و از گون ما را بکشت یار به انفاس عیسوی

پاسخ : کشتن به دم عیسوی

ب) در کدام بیت متناقض نما دیده می شود ؟

۱) هم خونم و هم شیرم هم طفلم و هم پیرم هم چاکر و هم میرم هم اینم و هم آنم

۲) گم شدن در گم شدن دین من است نیستی در هست آیین من است

۳) فارغ از سودم و زیان چو عدم طرفه بی سود و بی زیان که منم

پاسخ : بیت یک و دو

ب) در ابیات زیر، آرایه های « تناقض و تضاد » را با ذکر واژه های « متناقض » و « متضاد » نشان دهید.

الف- هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است

ب- تونه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد دگران روند و آیند و توهم چنان که هستی

پاسخ: (در بیت الف ترکیب « حاضر غایب » یک تناقض است و در بیت ب « حضور و غایب » و « روند و آیند » باهم تضاد دارند.)

سوالات نهایی متناقض نما

۱- کدام یک از عبارات های زیر درست و کدام نادرست است ؟

- الف) در بیت : حافظ از جور تو ، حاشا که بگرداند روی / « من از آن روز که در بند تو ام آزادم » ؛ آرایه « تضمین » وجود دارد.
- ب) آرایه بیت : سر من مست جمالت ، دل من خام خیالت / گهر دیده نثار کف دریای تو دارد ؛ « متناقض نما » است
- ج) در شعر : « می شناسمت / چشم های تو میزبان آفتاب صبح سبز باغ هاست / می شناسمت » آرایه « اغراق » وجود دارد.
- د) بیت : « نه خدا توانمش خواند ، نه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را » آرایه « تلمیح » ندارد.
- ۲- در هر یک از بیت های گروه « الف » کدام آرایه ادبی گروه « ب » به کار رفته است؟ (قسمت « ب » یک مورد اضافه است).

ب	الف
الف) تلمیح	۱) هر کو نظری دارد با یار کمان ابرو
ب) لف و نشر	۲) به شهر عشق منم شهریار چون حافظ
ج) متناقض نما	۳) شاه ترکان سخن مدعیان می شنود
د) مراعات نظیر	۴) مستانه کاش در حرم و دیر بگذری
ه) تضمین	باید که سپر باشد پیش همه پیکان ها منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن شرمی از مظلمه خون سیاوشش باد تا قبله گاه مؤمن و ترسا کنم تو را

۳- در ابیات زیر ، بخش هایی را که نشان دهنده آرایه های « تضاد » و « تناقض » است ، مشخص کنید و برای تشخیص هر مورد دلیل بیاورید:

- الف) تأمل کنان در خطا و صواب به از ژاژخایان حاضر جواب
- ب) چشم دل باز کن که جان بینی و آن چه نادیدنی است آن بینی

۴- در کدام یک از ابیات آرایه « تناقض » و در کدام ، آرایه « تضاد » دیده می شود؟ دلیل تشخیص خود را بنویسید:

- الف) کی شود این روان من ساکن این چنین ساکن روان که منم
- ب) شادی ندارد آن که ندارد به دل غمی آن را که نیست عالم غم ، نیست عالمی

۵- در بیت زیر آرایه « تناقض » را مشخص کنید و علت تشخیص خود را بنویسید:

« عجب مدار که در عین درد خاموشم که درد یار پری چهره عین درمان است »

۶- در بیت زیر کدام آرایه ادبی وجود ندارد ؟

گر ندیدی قبض و بسط عشق را گریه مینا نگر خندیدن ساغر بین

الف) تضاد ب) لف و نشر ج) تشخیص د) تناقض

۷- در کدام یک از بیت های زیر ، آرایه « متناقض نما » دیده می شود ؟ دلیل تشخیص خود را بنویسید:

الف) ز کوی یار می آید نسیم باد نوروژی از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

ب) شکر ایزد که به اقبال کله گوشه گل نخوت باد دی و شوکت خار آخر شد

۸- در بیت : « محرم این هوش جز بی هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست » کدام آرایه ادبی به کار نرفته است ؟

الف) تمثیل ب) متناقض نما ج) اسلوب معادله د) حسن تعلیل

جواب سوالات نهایی مربوط به متناقض نما :

۱- الف) درست ب) نادرست ج) درست د) نادرست

۲- ۱) د ۲) ه ۳) الف ۴) ب

۳- الف) خطا ، صواب : تضاد . چون دو امر متضادند (ب) مصرع دوم بیت دوم ، دیدن نادیدنی ها « تناقض » ؛ این تضاد در یک امر است نه دو امر

۴- الف) تناقض ب) تضاد دلیل ایت که تضاد آوردن دو امر متضاد است؛ بدون آن که متناقض هم باشند، اما در متناقض نما ، تضاد در یک امر است؛ نه دو امر؛ در حقیقت تناقض برانگیختن اعجاب است از راه خلاف عرف و عادت و منطق.

۵- درد عین درمان است. در تناقض تضاد در یک امر است نه دو امر، درد نمیتواند عین درمان باشد.

۶- « د » ؛ الف) تضاد : قبض ، بسط / گریه ، خندیدن ب) لف و نشر: قبض « لف ۱ » بسط « لف ۲ » / گریه « نشر ۱ »

خندیدن « نشر ۲ » ج) تشخیص: گریه مینا ، خندیدن ساغر

۷- الف) باد خاموش کننده چراغ است اما در اینجا از باد مدد می خواهد که چراغ را روشن کند

۸- « د » حسن تعلیل ؛ الف: تمثیل « کل بیت مثالی است برای نمونه هایی مانند چنین موضوعاتی (ب) متناقض نما : بی هوش محرم هوش باشد (ج) اسلوب معادله : مصرع دوم مثالی است برای مصرع اول)

سوالات کنکور

۱- در کدام گزینه آرایه ی «متناقض نما» به کار رفته است؟ (سراسری ریاضی ۸۹)

الف) دلم امروز چو کاه از نفسی می لرزد یاد آن روز که چون کوه جگر بوده مرا

ب) گر چو شبم نفسی هم نفس گل بودم بهره ز آن وصل همان دیده ی تر بود مرا

- (ج) یافت با شکوه ره زندگی من پایان
چون جرس ناله ی من زاد سفر بود مرا
- (د) حاصل ذوق و هنر خون جگر بود مرا
این هم از بی هنری های هنر بود مرا
- ۲- در کدام بیت تناقض وجود ندارد؟
(سراسری هنر ۸۷)
- (الف) همه اسباب پریشانی ما جمع آمد
تا ز مجموعه ی آن زلف پریشان شده ایم
- (ب) جمعیت خاطر ندهد دست، کسی را
کآشفنگی از زلف پریشان تو داد
- (ج) گویای سکوتم و بی تابی درنگ
تمکین بی قراری ام و بی قراری هیچ
- (د) گروهی سر به سر گویای خاموش
ولی چون بحر دُر بر کرده، در جوش
- ◀ جواب : د
- ◀ جواب : ب

پاسخ خود ارزیابی :

- سؤال ۱ (الف) ملامت = لَف ۱ / شنیدم = نَشْر ۱ / ندامت = لَف ۲ / کشیدم = نَشْر ۲ (نوع لَف و نَشْر: مشوَش)
 (ب) فرو رفت = لَف ۱ / به ماهی، نم خون = نَشْر ۱ / بر رفت = لَف ۲ / بر ماه، گرد = نَشْر ۲ (نوع لَف و نَشْر: مرتَب)
 (پ) دل = لَف ۱ / جمع = نَشْر ۱ / کشور = لَف ۲ / معمور = نَشْر ۲ (نوع لَف و نَشْر: مرتَب)
 (ت) جیب = لَف ۱ / مال = نَشْر ۱ / جام = لَف ۲ / می = نَشْر ۲ (نوع لَف و نَشْر: مرتَب)
- سؤال ۲: الف (برود - نرود) / ب (نماند - ماند) / پ (پخته - خام) / ت (بیشی - کمی) و (بکاهی - فزایی)
- ث (نخوت - شوکت) و (گل - خار)
- سؤال ۳: الف) از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی (یاری خواستن از باد برای روشن کردن چراغ، درحالیکه باد خاموش کننده چراغ است).
- (ب) شرم سرافرازی (سرافرازی با غرور و شرم با سرافکنندگی همراه است؛ ترکیب این دو با هم متناقض ناست).
- معراج از پا افتادن (معراج به معنی بالا رفتن است که از لحاظ مفهومی نقض کننده از پا افتادن است. ترکیب این دو مفهوم در کنار یکدیگر، متناقض ناست).
- (پ) عین درمان بودن درد، متناقض ناست، زیرا هر جا درد هست، درمان نیست و بر عکس.
- ۴) وزن بیت : مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن است و اختیارات شاعری : حذف همزه از آغاز هجای نهم مصراع اول ./ پایه های آوایی بیت، به صورت «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» نیز قابل تفکیک است .

با	آن	ک	جی	ب	جا	م	م	نَز	ما	ل	می	ت	هیست
ما	را	ف	را	غ	تی	ست	ک	جم	شی	د	جم	ن	داشت
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	-	-
مفعول				فاعلات				مفاعیل				فعولن	

کارگاه و تحلیل فصل

۱- نمونه‌های زیر، به صورتی که بین دو هلال تقطیع شده‌اند، با کدام اختیار شاعری مطابقت دارند؟

بازی دهر (U - U U-)	دل پاک (U - - U)	(آرزوی خوب) (U - - - U -)	نوای نی (- - - U)
------------------------	---------------------	------------------------------	----------------------

نوای نی (U - - -) تغییر کمیت مصوت‌ها - بلند تلفظ کردن مصوت‌های کوتاه (هجای سوم)
 آرزوی خوب (U - - - U -) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (هجای سوم) - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (هجای چهارم)
 دل پاک (U - - U) تغییر کمیت مصوت‌ها - بلند تلفظ کردن مصوت‌های کوتاه (هجای دوم)
 بازی دهر (U - U U -) تغییر کمیت مصوت‌ها - کوتاه تلفظ کردن مصوت‌های بلند (هجای دوم)

۲- الف)

را	س	نی	آ	مو	ز	ب	سی	جو	ف	روش
هس	ت	د	رین	شه	ر	ک	گن	دم	ن	ماست
-	u	u	-	-	u	u	-	-	u	-
مفتعلن			مفتعلن			فاعلن				
۱- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در هجای سوم مصراع / ۲- حذف همزه در هجای چهارم مصراع نخست و دوم										

ب)

ن	بی	نی	با	غ	بان	چن	گل	ب	کا	رد
چ	ما	ی	غم	خ	رد	تا	گل	ب	را	رد
u	-	u	-	u	-	-	-	u	-	-
مفاعیلن			مفاعیلن			فعولن				
بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه پایان کلمه در هجای سوم مصراع دوم حذف همزه در هجای دهم مصراع دوم نخست										

پ)

غ	مش	در	ن	هان	خا	ن	ی	دل	ن	شی	ند
ب	نا	زی	ک	لی	لی	ب	مح	مل	ن	شی	ند
u	-	-	u	-	-	u	-	-	u	-	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعولن		
در هجای هشتم مصراع اول، شاعر از اختیار زبانی «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» استفاده کرده است (ی=بی)											

(ت)

گ	ر	زین	من	ز	ل	وی	ران	ب	سو	ی	خا	ن	ر	وم	
د	گ	ران	جا	ک	ر	وم	عا	ق	ل	فر	زا	ن	ر	وم	
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	
فعلاتن				فعلاتن				فعلاتن				فعلن			
<p>۱- حذف همزه در هجاهای دوم و سوم مصراع نخست و هجای سوم مصراع دوم</p> <p>۲- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و»ی پایان کلمه در هجای دهم مصراع نخست</p> <p>۳- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (کسره اضافه) در هجای یازدهم مصراع نخست</p>															

(ث)

م	ن	ت	غا	ف	لی	ما	ه	خر	شید
ب	رین	گر	دو	ن	گر	دان	ست	غا	فل
U	-	-	-	U	-	-	U	-	-
مفاعیلن			مفاعیلن			فعلون			
در هجای دوم و سوم هفتم از مصراع اول در هجای دوم شاعر از اختیارزبانی «حذف همزه بهره برده است .									

(۳ الف) تضاد بین واژگان قبض (گرفتگی) و بسط (گشادگی)، / گریه و خندیدن

(ب) دشمن ملک = لف ۱ / پادشاه بی حلم = نشرا ۱ / دشمن دین = لف ۲ / زاهد بی علم = نشر ۲ (نوع لف و نشر مرتب)

(پ) تضاد بین واژگان روز و شب، / آمدی و رفتی

(ث) مرا نصیب غم آمد به شادی همه عالم ، ترکیبی متناقض گونه است، زیرا شاعر میگوید بهره ام از شادی دنیا غم است. بین واژگان شادی و غم نیز تضاد وجود دارد.

(ج) «ساده بسیارنقش» و «آگاه نبودن دانا» ترکیبایی متناقض نما هستند.

(چ) ترکیبهای آب آتش فروز و آتش آب سوز متناقض نما هستند. زیرا آب آتش را خاموش می کند و نمی تواند باعث افروختن آن شود.

(سؤال ۴) در متن از ترکیبات و مثالهای عامیانه استفاده شده و زبان آن ساده و دور از پیچیدگیهای فنی و ادبی ست. از ترکیبهای عامیانه به به

کاررفته در این متن می توان به «چه دردسر بدهم»، «آن روی کار بالاست» و «رنگش می پرد» اشاره کرد. «امان از همنشین بد» نیز یکی از

تعبیرات رایج عامیانه در زبان فارسی است. واژه های عربی نا آشنا کمتر دیده می شود. - واژه های بیگانه مانند ژاندارم (فرانسوی) در

آن دیده می شود. - نثر ساده و قابل فهم است. - جملات نسبت به گذشته کوتاه تر هستند.